

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و صل الله علی سیدنا محمد وآله طاهرین

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِیْكَ الْفَرَجَ

در نوزدهمین روز از ماه مبارک رمضان اشاره کردیم به قسمتی از خطابه شعبانیه که امیر مومنان سلام الله علیه از پیامبر خدا تقاضا کردند که افضل اعمال در این ماه را برای ما بیان بفرمایید و پیامبر بزرگوارمان وَرَعَ از محارم الله را به عنوان زیباترین عمل در این ماه بیان فرمودند. ادامه را عرض کردیم که بعد از این بیان پیامبر اشک ریختند و گریه کردند. این گریه حضرت چه معنایی داشت. " ثُمَّ بَكَی صِلَ اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللّٰهِ، مَا يُبْكِیكَ؟ "

امیرمومنان می فرمایند سوال کردم یا رسول الله چه شد؟ که شما به گریه افتادید؟ در این مقدمه سوال و جواب ارتباطی به ظاهر با اشک شما دیده نمی شد. فرمودند: " يَا عَلِیُّ، أَبْکِی لِمَا یُسْتَحَلُّ مِنْكَ فِی هَذَا الشَّهْرِ "

اشک می ریزم از آنچه که برای تو حلال می شمارند در این ماه. خب عنایت بفرمایید روی این عبارات و این واژه هایی که به کار گرفته شده، بر آنچه که در این ماه برای تو حلال می شمارند من اشک می ریزم، چه چیزی را حلال می شمارند؟ " کَأَنِّی بَكَ وَأَنْتَ تُصَلِّی لِرَبِّكَ " گویا دارم می بینم الان حال و هوایی که علی جان تو مشغول هستی برای پروردگارت اقامه نماز می کنی، در حال نماز هستی، " وَقَدْ انْبَعَثَ الْأَوَّلِیْنَ وَالْآخِرِیْنَ، شَقِیْقُ عَاقِرٍ نَاقَهٌ تَمُودٌ " به پا می خیزد کسی که شقی ترین از همه اشقیاء گذشته است کسی که در شقاوت مشابهت دارد با آن فردی که ناقه صالح را، قوم تمود را پی کرد و به قتل رساند. " فَضْرَبَكَ ضَرْبَةً عَلَی قَرْنِكَ " آن فرد شقی ضربه ای بر فرق مبارک شما وارد خواهد کرد که نتیجه آن ضربه این است: " فَخَضَّبَ مِنْهَا لِحِیَّتِكَ " آن قدر اون ضربه شدید است که محاسن شما را خون فرامی گیرد و خضاب می کند خون محاسن را. خب در این جا لازم است که نکاتی بیان شود. نکته اول

که شاید یکی از مهم ترین نکات باشد، در مظلومیت امیرالمومنان سلام الله علیه، حضرت با خیلی از مخالفین مثل

مشرکین و بت پرستان و یهودیان در جنگ ها درگیر شدند. اما هیچ شخصی نتوانست حضرت را از پا دریاورد، این جا چه ضربه ای بود و چگونه بود و به دست چه شخصی بود، با کمال تأسف باید گفت امیرالمومنین را ضربه به ظاهر مسلمان به قتل رساند، یعنی ابن ملجم نه ادعای یهودیت داشت، نه مشرک بود و نه بت پرست، اما دین را، دین

انحرافی فرا گرفته بود، دین او دین خوارج بود، دین او نتیجه و زاییده دستگاه خلافت سقیفه بود، چرا که سی سال قبل از اینکه ابن ملجم بخواهد شمشیر بلند کند، در کنار قبر پیامبر خدا، در کنار منبر پیامبر خدا، شمشیر بالای سر امیر المومنین گرفتند و رسماً تهدید کردند که یا بیعت و یا قتل، یعنی راه شمشیر بردن بالای سر ولی الله را آن جا نشان دادند، و آن نشان دادن هم، با بهانه های شرعی بود، لذا پیامبر می فرمایند: **"يُسْتَحَلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ"** در این ماه برای شما حلال می دانند این کشتن را، یعنی جواز شرعی صادر می کنند، همان گونه که برای آتش زدن خانه دختر پیغمبر خدا هم جواز شرعی صادر کردند، گفتند کسی که چند روز پیپی در نماز جماعت مسلمین شرکت نکند، بایستی خانه اش را آتش زد، با حدیث جعلی در خانه دختر پیامبر را آتش زدند، این جا هم پیامبر فرمودند که این ها حلال می دانند کشتن تو را در این ماه، که این جای تأسف دارد. دو مطلب است یکی این که احدی جرأت نمی کرد از مقابل، این گونه با حضرت برخورد کند، ولی وقتی که حضرت مشغول در نماز بودند آن هم در سجده نماز، زیباترین مرحله بندگی، طبیعی است که آن هم از پشت سر حمله کردن، ناجوانمردانه و روش غیر انسانی در روبه رو شدن با دشمن، می فرمایند اون شخصی این کار را انجام می دهد که شقی ترین افراد است و مشابهت دارد با کسی که ناقه حضرت صالح را در قوم ثمود پی کرد و به قتل رساند، این وجه شبه هم باز جالب است، که آن ناقه، ناقه ای بود که خیرش به تمام امت می رسد. در تاریخ صالح اگر خوانده باشید، این مطلب آمده که این ناقه آب زیادی می خورد ولی وقتی که کنار روستا یا کنار آن قوم، می ایستاد کنار دیوار، این ناقه بود و شتر ماده بود و شیرده بود، همه افراد می آمدند و سطل هایشان را می آوردند و از شیر این موجود الهی بهره می بردند، یعنی شیر بسیار فراوانی می داد که همه را بهره مند می کرد. این وجه شبه، می دانید که در تشبیهات یک وجه شبه کفایت می کند، امیرالمومنین سلام الله علیه برای همه امت اسلام وجود شان سود افزا و منفعت آور بود، یعنی احدی نبود که از ایشان بی بهره بماند، هر کسی در حد خودش می توانست از ایشان بهره بگیرد، حتی در باب خلفای ثلاثه داریم که بارها در مشکلات شان به کمک آن حضرت مشکل را حل می کردند، بنابراین این تشبیه شاید یکی از جهاتش از جهت پر منفعت بودن وجود حضرت در جامعه بود، که منفعت شان به همه از فقیر و غنی و جاهل و عالم می رسید و یک جهت هم شاید که جهت بسیار مهمی است، مظلومیت و بی گناهی و ظلم عجیبی که در حق این بزرگوار صادر شد. به هر حال پیامبر می فرمایند می بینم که او به شما حمله می کند، آن فرد شقی و ضربه ای می زند که محاسن شما با خون سرتان خضاب می شود، رنگین می شود، می دانید که برای خضاب کردن یک مقدار کافی رنگ لازم است که تمام مو را فرا بگیرد، یعنی شدت این خون در حدی بوده که تمام صورت را پر کرده بود، باید عرضه بداریم که یا رسول الله جانشین و وصی بزرگوار شما بعد از، از دست دادن همسر باوفایشان حضرت صدیقه کبری و آن شهادت مظلومانه، دیگر محاسن خودشان را خضاب نکردند، سی سال بود که این محاسن خضاب نشده بود تا اینکه در

شب نوزدهم ماه مبارک رمضان در محراب عبادت به تعبیر خود شما، با خون مقدس فرق شان خضاب شد، و همان جا بود که حضرت ام کلثوم سلام الله علیها در خانه خود این صدا را از آسمان شنیدند که "تَهْدَمْتُ وَ اللّٰهُ اَرْكَانُ الْهُدٰى"<sup>1</sup> ارکان هدایت در هم ریخته شد و همه چیز، نظم عالم از هم گسست با ضربه ای که در محراب مسجد کوفه وارد شد.

صَلِّ اللهُ عَلَيْكَ يَا اميرالمؤمنين، "السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَاوِيَّ اللهُ اَنْتَ اَوَّلُ مَطْلُوْمٍ وَّ اَوَّلُ مَنْ غُصِبَ تَحْتَهُ"

<sup>1</sup> مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۸۲، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق؛ هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، محقق، ۱۴۰۰ق، مصحح، میانجی، ابراهیم، ج ۵، ص ۱۵۱، تهران، مکتبه الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ق